

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۵۵ - ۶۹

### بررسی واژه‌های مختوم به -ی فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی در چارچوب مدل زبان ماتریسی

عبدالحسین حیدری

استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

#### چکیده

در این پژوهش واژه‌های مختوم به -ی فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی در چارچوب مدل زبان ماتریسی مطالعه شده است. داده‌ها از تعاملات زبانی گویشوران ترکی آذربایجانی در بافت‌های مختلف محاوره‌ای گردآوری شده‌اند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته است. ابتدا صورت‌های مختلف تک‌واژ وابسته هم‌نام -ی فارسی طبق فرضیه دسترسی متفاوت، به تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم (-ی اشتقاقی و -ی نکره) و تک‌واژه‌های نظام‌مند بیرونی متأخر (-ی دوم شخص مفرد فعل و -ی صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال) طبقه‌بندی و سپس تظاهر آوایی همین تک‌واژه‌ها در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی براساس اصول و فرضیه‌های مدل زبان ماتریسی تحلیل شد. عدم ظهور تک‌واژه‌های وابسته -ی دوم شخص مفرد فعل و -ی صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی، به دلیل ماتریسی بودن زبان ترکی آذربایجانی بوده است تا تک‌واژه‌های نظام‌مند بیرونی متأخر آن زبان در سطح صورت‌بندی انتخاب شوند و چارچوب نحوی-ساخت‌واژی زبان ترکی آذربایجانی را بر جملات حاکم کنند. اما تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم فارسی (-ی اشتقاقی و -ی نکره) به دلیل تأثیرگذاری در معنا و مفهوم جملات، نقشی در تعیین ساخت نحوی جمله‌ها ندارند و به راحتی می‌توانند با ملحق شدن به سازه‌های محتوایی، در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی ظاهر شوند. بنابراین، بین انتخاب تک‌واژه‌ها در سطوح انتزاعی تولید گفتار و ظهور یا عدم ظهور آن‌ها در گفتار گویشوران دوزبانه ارتباط وجود دارد و می‌توان در چارچوب این مدل، راه‌یابی یا عدم راه‌یابی سازه‌ها از زبانی به زبان دیگر را تبیین کرد.

#### واژه‌های کلیدی:

تک‌واژ وابسته  
هم‌نام، زبان فارسی،  
-ی فارسی، زبان  
ترکی آذربایجانی،  
مدل زبان ماتریسی

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۶ مهرماه ۱۴۰۲

پذیرش: ۵ آذرماه ۱۴۰۲

\* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: [a.heidari@cfu.ac.ir](mailto:a.heidari@cfu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

جوامع و ملل مختلف با فرهنگ‌ها و زبان‌های متعدد در طول تاریخ بنا به عوامل گوناگونی نظیر جنگ، مهاجرت، داد و ستد و... با یکدیگر برخورد داشته‌اند. بدون تردید دوزبانگی یکی از پیامدهای مهم تماس یا برخورد زبان‌ها محسوب می‌شود که به نوبه خود موجب می‌شود پدیده‌هایی همچون هم‌گرایی زبانی، قرض‌گیری زبانی (وام‌گیری زبانی) و رمزگردانی زبانی به وجود آید. قرض‌گیری یک اصطلاح شناخته‌شده‌تری در حوزه دوزبانگی است و همان‌طوری که مدرسی (۱۳۸۷) اظهار کرده است اکثر زبان‌شناسان قرض‌گیری را روندی دانسته‌اند که طی آن عناصری از یک زبان به زبان یا زبان‌های دیگر منتقل می‌شود. به هر حال قرض‌گیری نقش برجسته‌ای را در حوزه زبان‌شناسی تاریخی ایفا کرده است؛ زیرا این پدیده زبانی همواره یکی از منابع اصلی تغییر زبان‌ها بوده است. میرزاسکاتن<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) و ماتراس<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) به وجود طیف یا پیوستار رمزگردانی- قرض‌گیری در پدیده برخورد زبان‌ها باور دارند. از دیدگاه میرزاسکاتن (۱۹۹۳) واژه‌ها ابتدا به عنوان عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبان‌ها ظاهر می‌شوند و به تدریج با کسب کاربرد فراوان، بیش‌تر همین واژه‌ها به زبان تک‌زبان‌ها نیز راه پیدا می‌کنند و به عناصر قرضی تبدیل می‌شوند. مدت زمان مدیدی است که واژه‌های فارسی فراوانی همچون بخاری، اتو، دستکش، شلوار، میز و... به عنوان عناصر قرضی در زبان ترکی آذربایجانی کاربرد دارند در حالی که سازه‌هایی مانند ویرایش، استقبال و... هنوز در گفتار دوزبان‌های ترکی آذربایجانی-فارسی ظاهر می‌شوند و تحت عنوان عناصر رمزگردانی شده از آن‌ها یاد می‌شود.

افزون بر واژه‌ها، سایر مقوله‌های زبانی از جمله ساخت‌ها و واج‌ها نیز در برابر پدیده قرض‌گیری مصون نیستند و زبان‌شناسان از قرض‌گیری واجی و دستوری (ساختاری) نیز نام می‌برند. به هر حال، واژه‌ها اولین عناصری هستند که به آسانی از زبانی به زبان دیگر منتقل می‌شوند. به همین دلیل، توماسون<sup>۳</sup> و کافمن<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) بر این باورند که رخداد قرض‌گیری دستوری در یک زبان نشانگر آن است که قرض‌گیری واژگانی پیش‌تر در همان زبان اتفاق افتاده است. موراوزچیک<sup>۵</sup> (۱۹۷۵) برای اولین بار به ارتباط بین شفافیت معنایی، استقلال ساختی و پدیده قرضی اشاره کرد. از نظر وی اسم‌ها زودتر از فعل‌ها قرض گرفته می‌شوند؛ سپس نوبت به تک‌واژه‌های وابسته می‌رسد که همراه این عناصر زبانی (اسم‌ها، صفت‌ها، فعل‌ها و...) به کار برده می‌شوند. او همچنین تأکید کرد که انتقال تک‌واژه‌های اشتقاقی به زبان یا زبان‌های دیگر سریع‌تر از تک‌واژه‌های تصریفی اتفاق می‌افتد. پسوند وابسته -ی فارسی در واژه‌های دوستی، بقالی، قصابی و... یک تک‌واژه اشتقاقی است که با افزوده‌شدن به واژه‌های دوست، بقال، قصاب و... واژه‌های جدیدی را ساخته است. همین تک‌واژه وابسته -ی در

<sup>1</sup> C. Myers-Scotton

<sup>2</sup> Y. Matras

<sup>3</sup> S. Thomason

<sup>4</sup> T. Kaufman

<sup>5</sup> E. Moravcsik

واژه‌های کتابی (-ی نکره)، دیدی (-ی دوم شخص مفرد فعل) و خوبی (صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال)، یک تک‌واژ تصریفی است که برای ایفای نقش معین و دستوری به واژه‌های کتاب، دید و خوب ملحق شده است. بنابراین پسوند -ی فارسی یک تک‌واژ وابسته هم‌نام است. تک‌واژه‌های وابسته‌ای که دارای صورت آوایی یکسان هستند اما با معنا یا نقش دستوری متفاوت ظاهر می‌شوند، تک‌واژه‌های وابسته هم‌نام نامیده می‌شوند. مانند S جمع و S سوم شخص مفرد انگلیسی (هامپ<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۵: ۸۹). ظهور یا رخداد فراوان واژه‌های فارسی دارای -ی اشتقاقی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی و کاربرد یا عدم کاربرد صورت‌های دیگر تک‌واژ وابسته هم‌نام فارسی (مانند -ی نکره و...) در گفتار این گویشوران موجب شد تا در پژوهش حاضر، انتقال یا عدم انتقال واژه‌های مختوم به پسوند -ی فارسی به گفتار و زبان گویشوران ترکی آذربایجانی از منظر مدل زبان ماتریس مطالعه شود. مدل زبان ماتریس یک مدل تولیدبنیان است که میرزاسکاتن (۱۹۹۷، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶) با تکیه بر گفتار دوزبانه‌ها پیشنهاد داد و با طرح اصول و فرضیه‌هایی موجب گسترش آن شد که در بخش مبانی نظری، همراه با جزئیات بیش‌تری تشریح می‌شود. مدل زبان ماتریس که تک‌واژه‌ها را براساس سازوکار تولید و پردازش آن‌ها در سطوح مختلف انتزاعی تولید گفتار به خوبی طبقه‌بندی کرده است، در تبیین جنبه‌های مختلف مطالعات زبان‌شناسی از جمله پدیده تماس زبان‌ها کارآمدتر بوده است. بنابراین این مدل مبنای مطالعه پژوهش در بررسی واژه‌های مختوم به -ی زبان فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی واقع شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

بدون تردید قرض‌گیری ساخت‌واژی در مقایسه با قرض‌گیری واژگانی کم‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. به احتمال زیاد این امر به دلیل گستردگی و متداول بودن قرض‌گیری واژگانی باشد؛ در صورتی که قرض‌گیری ساخت‌واژی مستلزم برخورد شدید و طولانی مدت زبان‌ها است. در نیمه اول قرن بیستم ۲ دیدگاه عمده در رابطه با قرض‌گیری ساخت‌واژی مطرح بود. زبان‌شناسانی مانند میلیت<sup>۲</sup> (۱۹۳۱) و ساپیر<sup>۳</sup> (۱۹۳۱) مدعی بودند که قرض‌گیری تصریفی غیرمحمتمل است، در حالی که تروبتسکوی<sup>۴</sup> (۱۹۳۹) باور داشت قرض‌گیری ساخت‌واژی بین زبان‌ها وجود دارد و باید پژوهش‌هایی در این حوزه انجام شود. مطالعه واین‌رایش<sup>۵</sup> (۱۹۵۳) اولین چارچوب تبیینی است که در ارتباط با برخورد زبان‌ها به طور عام و قرض‌گیری زبانی به طور خاص انجام یافته است. بعد از وی پژوهشگران متعددی نظیر موراوزچیک (۱۹۷۸)، روماین<sup>۶</sup> (۱۹۹۵)، ماتراس (۲۰۰۹)، سیفارت<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> E. Hamp et al.,

<sup>۲</sup> A. Meillet

<sup>۳</sup> E. Sapir

<sup>۴</sup> N. Trubetzkoy

<sup>۵</sup> U. Weinreich

<sup>۶</sup> S. Romaine

<sup>۷</sup> F. Seifart

(۲۰۱۷) ... ترتیب یا سلسله‌مراتب قرض‌گیری وندها را با مطالعه در زبان‌های مختلف ترسیم کرده‌اند. همه این زبان‌شناسان بر این باورند که تا برخورد بین زبان‌ها از شدت لازم برخوردار نباشد، قرض‌گیری ساخت‌واژی نیز اتفاق نخواهد افتاد. روماین (۱۹۹۵) معتقد است که هم‌گرایی ساختی از سطح ساخت‌واژه شروع می‌شود و در سطح ساخت‌های نحوی پایان می‌یابد. سلسله‌مراتب قرض‌گیری عناصر زبانی پیشنهادی روماین (۱۹۹۵) به این صورت است: واژگان < ساخت‌واژه (وندهای اشتقاقی، وندهای تصریفی) < نحو.

ماتراس (۲۰۰۹) نیز سلسله‌مراتب قرض‌گیری وندها را براساس شفافیت معنایی و نحوی ارائه می‌کند. بر اساس این سلسله‌مراتب، تک‌واژه‌ها یا وندهای اشتقاقی در ابتدای روند قرض‌گیری و تک‌واژه‌های تصریفی در انتهای این روند قرار دارند. از نظر او، تک‌واژه‌های تصریفی به دلیل اتکا به نقش معنایی-نحوی اسم‌ها در گروه‌های اسمی دیرتر از سایر تک‌واژه‌ها قرض گرفته می‌شوند؛ در صورتی که تک‌واژه‌های اشتقاقی اسم، مانند مالکیت و کمیت به راحتی از زبانی به زبان دیگر منتقل می‌شوند. او با مرور مطالعات پیشین، به این سلسله‌مراتب در حوزه قرض‌گیری زبانی اشاره دارد:

الف- واژگانی < غیرواژگانی

ب- تک‌واژه‌های آزاد < تک‌واژه‌های وابسته

ج- اسم < غیراسم

د- وندهای اشتقاقی < وندهای تصریفی

ه- ساخت‌های دستوری که همراه با عناصر دستوری منتقل می‌شوند.

با توجه به سلسله‌مراتب پیشنهادی ماتراس (۲۰۰۹) می‌توان گفت که قرض‌گیری عناصر غیرواژگانی زبان، منوط به انتقال واژه‌ها است؛ به عبارت دیگر مادامی که قرض‌گیری واژگانی اتفاق نیفتد، عناصر غیرواژگانی یا دستوری به زبان پذیرا منتقل نمی‌شوند. سیفارت (۲۰۱۷) با اشاره به قرض‌گیری سریع‌تر وندهای اشتقاقی نسبت به وندهای تصریفی، نشان می‌دهد که قرض‌گیری وندهای تصریفی فعل در مقایسه با وندهای تصریفی اسم به‌ندرت رخ می‌دهد. بنابراین از موراوزچیک (۱۹۷۸) به بعد، همه پژوهشگران اتفاق نظر دارند که احتمال قرض‌گیری ساخت‌واژه تصریفی نسبت به ساخت‌واژه اشتقاقی کمتر است. ماتراس (۲۰۰۹) اظهار می‌کند که تک‌واژه‌های اشتقاقی در سطح کلمه عمل می‌کنند و جزء جدایی‌ناپذیر از معنای واژه می‌باشند. بنابراین برای رساندن معنای اصلی، همراه با واژه به زبان دیگر منتقل می‌شوند. در صورتی که تک‌واژه‌های تصریفی در سطح جمله عمل می‌کنند و عناصر دستوری هستند؛ به همین دلیل انتقال آن‌ها از زبانی به زبان دیگر خیلی نادر است. ماتراس (۲۰۰۹) همچنین به محدودیت‌های فرهنگی-اجتماعی اشاره می‌کند که از قرض‌گیری ساخت‌واژی، به ویژه قرض‌گیری وندهای تصریفی ممانعت به عمل می‌آورد. طبق تعبیر وی، تصریف بر انتخاب زبانی دلالت دارد که توسط دوزبانه‌ها صورت می‌پذیرد و به هویت آن‌ها مرتبط می‌شود؛ در حالی که اشتقاق عهده‌دار ساخت و

تغییر معنا است. بنابراین قرض‌گیری ساخت‌واژه‌تصریفی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نظام زبان و هویت اجتماعی اهل زبان دارد و به همین دلیل در فرایند قرض‌گیری ترجیح داده نمی‌شوند. همان طور که پیش‌تر ذکر شد، تک‌واژه‌های اشتقاقی فارسی همراه با واژه‌های بومی فراوان آن زبان مانند کبابی، پزشکی، کفافی، قصابی و... به گفتار و زبان گویشوران ترکی آذربایجانی راه پیدا کرده‌اند. اما تک‌واژه‌هایی نظیر -ی نکره و -ی دوم شخص مفرد فعل و -ی به عنوان صورت تصریفی فعل بودن، در گفتار این گویشوران ظاهر نمی‌شوند یا به ندرت مشاهده می‌شوند تک‌واژه -ی اشتقاقی، -ی نکره، -ی دوم شخص مفرد فعل و -ی به عنوان صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال، تک‌واژه‌های وابسته هم‌نام زبان فارسی هستند که در پژوهش حاضر انتقال آن‌ها همراه با تعداد زیادی از واژه‌های فارسی به گفتار و زبان گویشوران ترکی آذربایجانی در چارچوب مدل زبان ماتریس مطالعه می‌شوند. بنابراین در ادامه، اصول و مبانی مدل مذکور تشریح می‌شوند.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

طبق مدل زبان ماتریس، در جمله‌ای که از عناصر دو زبان تشکیل شده است، یکی از زبان‌ها که زبان ماتریس خوانده می‌شود چارچوب نحوی-ساخت‌واژی جمله را تعیین می‌کند و به زبان دیگر که نقش کم‌رنگی در شکل‌گیری همان جمله دارد، زبان درونه<sup>۱</sup> گفته می‌شود؛ برای مثال در جمله «آن part را برای من edit کن»، زبان فارسی زبان ماتریس است و به چارچوب نحوی-ساخت‌واژی جمله شکل داده است. همچنین واژه‌های انگلیسی (edit, part) در درون همین جمله، به صورت عناصر رمزگردانی شده به کار گرفته شده‌اند. تک‌واژه‌ها در یک جمله حاوی سازه‌های رمزگردانی شده به دو نوع تک‌واژه محتوایی<sup>۲</sup> و تک‌واژه نظام‌مند<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند. تک‌واژه‌های محتوایی (مانند اسم، فعل، صفت و قید)، معنا و مفهوم را در پاره‌گفتارها انتقال می‌دهند در حالی که تک‌واژه‌های نظام‌مند (هم‌چون تک‌واژه‌های تصریفی و نقشی) تک‌واژه‌های محتوایی آن پاره‌گفتارها را به یکدیگر ربط می‌دهند. میرزاسکاتن (۲۰۰۲ و ۲۰۰۶) با بسط مدل زبان ماتریس و با توجه به فعال شدن و انتخاب متفاوت انواع مختلف تک‌واژه‌ها در واژگان ذهنی، تقسیم‌بندی نوینی از تک‌واژه‌ها را تحت عنوان فرضیه دسترسی متفاوت یا مدل فرعی چهارتک‌واژه<sup>۴</sup> پیشنهاد داد. تک‌واژه‌ها بر اساس مدل چهارتک‌واژه، به چهار نوع (یک نوع تک‌واژه محتوایی و سه نوع تک‌واژه نظام‌مند) تک‌واژه نظام‌مند متقدم<sup>۵</sup>، تک‌واژه نظام‌مند پیوند دهنده متأخر<sup>۶</sup> و تک‌واژه نظام‌مند بیرونی متأخر<sup>۷</sup>) طبقه‌بندی می‌شوند.

<sup>1</sup> embedded language

<sup>2</sup> content morpheme

<sup>3</sup> system morpheme

<sup>4</sup> 4 morphemes

<sup>5</sup> early system morpheme

<sup>6</sup> late bridge system morpheme

<sup>7</sup> late outside system morpheme

انتخاب مفهوم یا پیام، اولین گام در تولیدات زبانی است. پیامی که فرد سخنگو قرار است به مخاطب یا مخاطبان خود انتقال دهد. سطح مفهومی، نخستین سطح در مدل لولت<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) است. همه اطلاعات موجود در بخش نظام مفهومی (مانند اطلاعات درباره شرایط یا موقعیت گفتمان)، در شکل‌گیری پیام پیش‌کلامی تأثیرگذار هستند. فرد سخنگو در گام بعدی باید بازنمایی مفهومی را به واژگان تبدیل کند، طوری که با منظور یا نیت اصلی وی مطابقت داشته باشد (انتخاب واژگانی). منظور یا نیت فرد سخنگو، ابتدا یک رشته ویژگی‌های معنایی-کاربردی<sup>۲</sup> را فعال می‌کند. جهت این مجموعه ویژگی‌های معنایی-کاربردی، به سمت بن‌واژه<sup>۳</sup> است. بن‌واژه همان بخش غیرواجی اطلاعات واژگانی یک مدخل انتزاعی در واژگان ذهنی است که اطلاعات معنایی، نحوی و ساخت‌واژی واژگان را در بر دارد. بن‌واژه اطلاعات سه زیرنظام ساختار واژگانی را شامل می‌شود. نخست اطلاعات معنایی-کاربردی، دوم ساختار گزاره-موضوع (مشخص کردن ویژگی‌های فعل با توجه به چارچوب زیرمقوله‌ای آن؛ مثلاً یک فعل چندتا موضوع می‌تواند بگیرد؟ و هر موضوع چه نقش تئایی دریافت می‌کند؟) و سوم ساختار الگوهای تجلی ساخت‌واژی (بازنمون اطلاعات ساخت‌واژی همچون زمان، نمود، مطابقت). بنابراین بن‌واژه، دومین سطح در تولید انتزاعی گفتار است. بن‌واژه فعال‌شده، سطح سوم را فعال می‌سازد که در آن‌جا چارچوب نحوی-ساخت‌واژی تولیدات زبانی شکل می‌گیرد. در سطح پایانی، بازنمایی واحدهای واجی فعال و روساخت پاره‌گفتار تعیین می‌شود. دو سطح سوم و چهارم را سطح صورت‌بندی<sup>۴</sup> زبانی می‌گویند. در نهایت، پس از این چهار سطح، تولیدات زبانی به صورت گفتار فیزیکی، از طریق اندام‌های گفتاری نمود آوایی پیدا می‌کند. تمایز تک‌واژه‌های محتوایی از انواع مختلف تک‌واژه‌های نظام‌مند، با استفاده از مدل سطوح انتزاعی تولید گفتار انجام پذیرفته است:

**الف- تک‌واژه‌های فعال‌شده در سطح مفهومی:** تک‌واژه‌های محتوایی و تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم در سطح مفهومی فعال و انتخاب می‌شوند. انتخاب تک‌واژه‌های محتوایی به صورت مستقیم و از طریق رشته ویژگی‌های معنایی-کاربردی انجام می‌پذیرد؛ در صورتی که تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم به صورت غیرمستقیم در سطح مفهومی انتخاب می‌شوند. برای این که انتخاب تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم به انتخاب تک‌واژه‌های محتوایی بستگی دارد. فعال‌شدن و انتخاب تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم با فراخوان تک‌واژه‌های محتوایی در سطح بن‌واژه اتفاق می‌افتد تا منظور یا نیت فرد سخنگو به طور کامل به مخاطب یا مخاطبان منتقل شود. تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم داخل فرافکنی بیشینه تک‌واژه‌های محتوایی قرار دارند و به بسط و گسترش معنای بن‌واژه‌های تک‌واژه‌های محتوایی کمک می‌کنند. نشانه جمع و حروف تعریف در زبان‌ها از نمونه‌های بارز تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم هستند.

<sup>1</sup> W. M. J. Levelt

<sup>2</sup> semantic/pragmatic feature bundles

<sup>3</sup> lemma

<sup>4</sup> formulation

**ب- تک‌واژه‌های دارای نقش ساختاری:** تک‌واژه‌های نظام‌مند متأخر در سطح مفهومی انتخاب نمی‌شوند؛ زیرا این سطح به تک‌واژه‌های محتوایی و نظام‌مند متقدم تعلق دارد. تک‌واژه‌های نظام‌مند متأخر، تک‌واژه‌های ساخت‌ساز هستند. بازیابی این تک‌واژه‌ها در واژگان ذهنی، بعد از شکل‌گیری سازه‌های بزرگ‌تر اتفاق می‌افتد. بنابراین تک‌واژه‌های نظام‌مند متأخر در سطح بن‌واژه انتخاب نمی‌شوند. چنان‌چه از نام آن‌ها پیداست، این تک‌واژه‌ها در سطوح انتزاعی متأخر تولید گفتار (صورت‌بندی) فعال و انتخاب می‌شوند. انتخاب تک‌واژه‌های نظام‌مند متأخر به دلیل برقراری ارتباط در داخل سازه‌های بزرگ‌تر انجام می‌شود. این تک‌واژه‌ها علی‌رغم تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم به ساختار مفهومی جمله کمک نمی‌کنند، بلکه فقط ایفاگر نقش رابط بین تک‌واژه‌های محتوایی در آن جمله هستند (میرزاسکاتن، ۲۰۰۶).

تک‌واژه‌های نظام‌مند متأخر به دو نوع پیونددهنده و بیرونی طبقه‌بندی می‌شوند. تک‌واژه نظام‌مند پیونددهنده متأخر مانند نشانه مالکیت، نقش یک پل را بر عهده دارد و تک‌واژه‌های محتوایی را به سازه‌های بزرگ‌تر ربط می‌دهد. تک‌واژه نظام‌مند پیونددهنده متأخر به اطلاعات داخل فرافکنی بیشینه‌ای متکی است که در آن تجلی پیدا می‌کنند. در حالی که تک‌واژه نظام‌مند بیرونی متأخر به اطلاعات دستوری بیرون از فرافکنی بیشینه خود وابسته است و به لحاظ ساختاری در سطح روساخت ظاهر می‌شود. S سوم شخص مفرد مثال بارز یک تک‌واژه نظام‌مند بیرونی متأخر است و نقش ساختاری را در جملات انگلیسی ایفا می‌کند. اطلاعات همه تک‌واژه‌ها در بن‌واژه‌ها پنهان است. اطلاعات تک‌واژه‌های محتوایی و تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم در سطح مفهومی برجسته می‌شود، در صورتی که اطلاعات تک‌واژه‌های نظام‌مند متأخر در سطح صورت‌بندی بازنمایی می‌گردد. تقسیم‌بندی تک‌واژه‌ها در سطوح انتزاعی تولید گفتار طبق مدل چهار تک‌واژه، نخست بین دو نوع تک‌واژه انجام می‌شود؛ تک‌واژه‌هایی که به واسطه نیت یا منظور فرد سخنگو در سطح مفهومی-واژگانی فعال می‌شوند و تک‌واژه‌هایی که ساخت‌ساز هستند و در سطوح بیرونی‌تر انتخاب می‌شوند.

### ۳-۱. صورت‌های مختلف تک‌واژه وابسته هم‌نام -ی فارسی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تک‌واژه وابسته هم‌نام -ی فارسی به چهار صورت در بافت‌های مختلف ساخت‌واژی نمود آوایی دارد: -ی اشتقاقی، -ی نکره، -ی دوم شخص مفرد فعل و -ی به عنوان صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال.

۳-۱-۱. -ی اشتقاقی: طبق نظر شقاقی (۱۳۸۷: ۶۹)، وندهای اشتقاقی واژه‌های جدید می‌سازند، واژه‌هایی که مدخل‌های واژگانی فرهنگ لغت را تشکیل می‌دهند. این نوع وند معمولاً مقوله و معنای واژه پایه را تغییر می‌دهد و واژه مشتق‌شده، از نظر معنایی، متفاوت از پایه است. پسوند -ی اشتقاقی افزون بر تغییر مقوله، نقش‌های متفاوتی را به پایه اضافه می‌کند. تاکی (۱۳۹۱) معتقد است پسوند -ی اشتقاقی نقش‌های متفاوتی را بر عهده

دارد. نقش عاملی (جنگی، آهنگری)، نقش پذیرا (خوردنی، دیدنی)، نقش مکانی (عکاسی، ناوایی)، نقش زمانی (آخری، آغازی)، نقش ابزاری (آجیل‌خوری، جاکفشی)، نقش ماده‌ای (چوبی، پلاستیکی) نقش اصل و منشا (تهرانی، ایرانی) و نقش هدف (نذری، کادویی).

۳-۱-۲. **ی نکره:** تک‌واژه -ی نکره به لحاظ معنی به یک یا چند فرد و یا مورد نامشخص اعم از انسان، جانور یا هر چیز مادی یا غیرمادی دلالت دارد (مشکوه‌الدینی، ۱۳۹۴: ۴۲). پس از کار غذایی خوردم (غذایی اسم نکره با معنی محدود است). در مواردی که پسوند نکره در ساخت اسم + گروه صفتی به کار می‌رود، ممکن است به دنبال گروه صفتی یا همچنان به دنبال اسم (مرد خوبی، مردی خوب) ظاهر شود.

۳-۱-۳. **ی دوم شخص مفرد فعل:** این پسوند به فعل در زمان حال و گذشته ملحق می‌شود تا مطابقت فعل با فاعل دوم شخص مفرد (می‌روی، رفتی) انجام گیرد. اکثر پژوهشگران مانند کلباسی (۱۳۷۱)، شقاقی (۱۳۸۷) و مشکوه‌الدینی (۱۳۹۴) معتقدند که فعل پسوند اشتقاقی ندارد و تمامی وندهایی که به فعل می‌چسبند تا ویژگی‌های شخص و شمار، زمان، نمود، و وجه را نشان دهند، وندهای تصریفی شمرده می‌شوند.

۳-۱-۴. **ی به عنوان صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال:** فعل بودن در ردیف فعل‌های دو پایه‌ای قرار دارد که دارای پایه‌ی حال (هست) و پایه‌ی گذشته (بود) است (مشکوه‌الدینی، ۱۳۹۴: ۸۳). پایه‌ی حال فعل بودن در گفتار معمولاً به صورت تک‌واژه وابسته عمل می‌کند و به اسم یا صفت متصل می‌شود (خوبی به جای خوب هستی یا دختری به جای دختر هستی). -ی به عنوان صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال و -ی نکره را واژه‌بست یا پی‌بست نیز می‌نامند. این نوع تک‌واژه‌ها کاربرد مستقلی ندارند و مانند وندها به کلمه قبل از خود می‌چسبند، ولی برخلاف بندها جزو ساخت این کلمه محسوب نمی‌شوند.

تک‌واژه -ی اشتقاقی و تک‌واژه -ی نکره طبق مدل چهارتک‌واژه، تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم محسوب می‌شوند؛ زیرا این سازه‌ها اطلاعات مفهومی را به هسته خود (اسم) می‌افزایند و به صورت غیرمستقیم توسط همان هسته در سطح بن‌واژه انتخاب می‌شوند. اما تک‌واژه -ی دوم شخص مفرد فعل و تک‌واژه -ی به عنوان صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال، هر دو تک‌واژه نظام‌مند بیرونی متأخر در نظر گرفته می‌شوند. برای این که تک‌واژه‌های مذکور برای تجلی در روستاها به اطلاعات خارج از فرافکنی بیشینه خود وابسته هستند و با عناصر دیگر در جمله (فاعل) هم‌نمایه می‌شوند. چنانچه میرزاسکاتن (۲۰۰۸) اشاره دارد، ویژگی‌های فعل نظیر زمان، نمود، وجه، شخص و شمار، تک‌واژه‌های نظام‌مند محسوب می‌شوند؛ زیرا هم‌نمایگی تک‌واژه‌های نظام‌مند با سازه‌های دیگر جمله دلالت بر بیرونی بودن تک‌واژه‌های متأخر دارد. تک‌واژه -ی دوم شخص مفرد فعل و تک‌واژه -ی به عنوان صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال، به ترتیب به فعل و مسند جمله متصل می‌شوند تا عمل مطابقت با فاعل جمله انجام یابد. این تک‌واژه‌ها به اطلاعات فاعل جمله نیازمندند که خارج از فرافکنی بیشینه فعل قرار گرفته



است. صورت تصریفی فعل «هستی» (-ی) در جمله «تو خوبی» برای افزودن شدن به مسند (خوب)، باید با فاعل جمله (ضمیر فاعلی تو) مطابقت کند که خارج از فرافکنی بیشینه مسند جا دارد.

### ۳-۲. داده‌ها و روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. نخست انواع مختلف تک‌واژ وابسته هم‌نام -ی فارسی در چارچوب مدل زبان ماتریس توصیف و طبقه‌بندی می‌شود. سپس ظهور این تک‌واژها در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی بر اساس مبانی و اصول مدل مذکور تحلیل می‌گردد. داده‌های تحقیق (تقریباً ۱۰۰۰ واژه) با اتکا به هر دو نوع منابع کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده‌اند. مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های مرتبط با حوزه قرض‌گیری ترکی آذربایجانی از فارسی بررسی شدند. افزون بر این، بخش دیگری از داده‌ها را تعاملات زبانی ۳۰ نفر (مرد و زن) از گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل (اردبیل و مشگین‌شهر) تشکیل می‌دهند که از طریق ضبط و یادداشت‌برداری جمع‌آوری شده‌اند. ۱۰ نفر از این گروه که تک‌زبانۀ (ترکی آذربایجانی) بودند، میانگین سن‌شان بالای ۵۰ سال بود و ۲۰ نفر، غیر از زبان بومی، توانایی ارتباط برقرار کردن از طریق زبان فارسی را داشتند (دوزبانه) و در گروه سنی بین ۱۸ تا ۶۰ سال قرار داشتند. خود دوزبانه‌ها در دو گروه قرار داشتند: یک گروه ۱۰ نفره تحصیل کرده و یا دانشگاهی که کارهای آموزشی، فرهنگی و اداری داشتند و گروه دیگر با برخورداری از سواد عمومی، مشغول کارهای غیردولتی بودند. در جدول (۱)، فراوانی انواع پسوندهای -ی فارسی در گفتار گویشوران مختلف ترکی آذربایجانی نشان داده شده است.

#### جدول ۱.

فراوانی انواع پسوندهای -ی فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی

نوع تک‌واژ وابسته هم‌نام	مثال	نوع گویشور	فراوانی	جمع
-ی اشتقاقی	غذاخوری	تک‌زبانه	۱۸۰	۹۵۰
	انقلابی	دوزبانۀ عادی	۳۲۰	
	حزب‌اللهی	دوزبانۀ تحصیل‌کرده	۴۵۰	
-ی نکره	انسانی	تک‌زبانه	۰	۳۰
	آقایی	دوزبانۀ عادی	۰	
	فردی	دوزبانۀ تحصیل‌کرده	۳۰	
-ی دوم شخص مفرد	دیدي	تک‌زبانه	۰	۰
	گفتي	دوزبانۀ عادی	۰	
	رفتي	دوزبانۀ تحصیل‌کرده	۰	

نوع تک‌واژ وابسته هم‌نام	مثال	نوع گویشور	فراوانی	جمع
-ی به‌عنوان صورت تصریفی	کری	تک‌زبانه	.	.
فعل بودن در زمان حال	تشنه‌ای	دوزبانۀ عادی	.	.
	سرحالی	دوزبانۀ تحصیل‌کرده	.	.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

بررسی داده‌های گردآوری‌شده پژوهش حاضر نشان می‌دهد که همهٔ واژه‌های قرضی مختوم به پسوند -ی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی، از زبان فارسی به زبان و گفتار آن‌ها منتقل شده است. هیچ واژهٔ بومی ترکی آذربایجانی در میان داده‌ها یافت نشد که با پسوند -ی فارسی ترکیب شده باشد. بنابراین می‌توان گفت که هنوز پسوند -ی فارسی به عنوان یک تک‌واژ قرضی به زبان ترکی آذربایجانی وارد نشده است. بین واژه‌های دارای تک‌واژ وابسته که از زبان مبدأ به زبان پذیرا انتقال می‌یابند و تک‌واژهای وابسته‌ای که به عنوان عناصر قرضی به زبان پذیرا وارد شده و به واژه‌های بومی آن زبان ملحق می‌شوند، تفاوت وجود دارد. چنان‌چه حسینی معصوم و همکاران (۱۳۹۳) به تک‌واژهای وابسته یا پسوندهای ترکی مانند -چی، -باشی و... اشاره کرده‌اند که به عنوان پسوندهای قرضی زایا در زبان فارسی عمل می‌کنند و برای رساندن معنا و مفهوم دقیق به واژه‌های فارسی (نظیر ابریشم‌چی، آشپزباشی و...) متصل شده‌اند. به هر حال، تاکنون هیچ‌کدام از صورت‌های تک‌واژ وابسته هم‌نام -ی فارسی به عنوان یک تک‌واژ قرضی به زبان ترکی آذربایجانی راه پیدا نکرده است. همهٔ واژه‌های مختوم به -ی فارسی که از گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی گردآوری شده‌اند، در زمرهٔ واژه‌های زبان فارسی قرار دارند که فراوانی و درصد وقوع آن‌ها در جدول (۱) به نمایش گذاشته شده است.

چنان‌چه در جدول (۱) مشاهده می‌شود، واژه‌های مختوم به -ی اشتقاقی، حجم قابل توجهی از داده‌ها را به خود اختصاص داده است. واژه‌های دارای -ی اشتقاقی در گفتار هر سه نوع گویشور ترکی آذربایجانی (تک‌زبانه، دوزبانۀ عادی و دوزبانۀ تحصیل‌کرده) نمود آوایی دارد که فراوانی و میزان آن‌ها در گفتار این گویشوران به ترتیب ۱۸۰، ۳۲۰ و ۴۵۰ است.

همان‌طوری که پیش‌تر ذکر شد، وندهای اشتقاقی برای ساختن واژه‌های جدید به کار می‌روند و شمار آن‌ها در زبان فارسی نسبت به بقیهٔ وندها زیاد است. این وندها به واژه‌ها ملحق می‌شوند تا معنا و مفاهیم جدیدی را منتقل کنند؛ بنابراین، به لحاظ معنایی، بخش جدایی‌ناپذیری از واژه هستند. چنان‌چه ماتراس (۲۰۰۹) نیز اشاره می‌کند، تک‌واژهای اشتقاقی همراه با واژه‌هایی که به آن‌ها می‌پیوندند به راحتی به زبان یا زبان‌های دیگر انتقال پیدا می‌کنند. تک‌واژ اشتقاقی -ی فارسی یکی از تک‌واژهای زایای زبان فارسی است و گویشوران فارسی، واژه‌های مشتق فراوانی را از طریق این پسوند اشتقاقی ساخته‌اند. بنابراین در میان سیل انبوهی از واژه‌هایی که از زبان فارسی به زبان ترکی آذربایجانی منتقل شده‌اند، واژه‌های مختوم به -ی اشتقاقی زیادی مشاهده می‌شود که در

زبان و گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی ظاهر می‌گردد (برای مثال در جملات ۱، ۲ و ۳). در پژوهش حاضر نیز تلاش شده است تا بخش اعظمی از واژه‌های مختوم به -ی اشتقاقی فارسی جمع‌آوری شود (ایرانی، مامایی، علمی، ادبی، عربی، فارسی، شیرازی، شمالی، جنوبی، غربی، شرقی، مربی، مذهبی، قصابی، مهتابی، نسبی، فیزیوتراپی، نباتی و...).

### 1. o baggāl-i ujuz ver-ir.

می‌دهد ارزان بقالی اُ

آن بقالی ارزان می‌دهد.

### 2. Zahrā parastār-i oxu-yur.

می‌خواند پرستاری زهرا

زهرا پرستاری می‌خواند.

### 3. yoldāšim mazhab-i ādām-di.

است-آدم مذهبی دوستم

دوستم آدم مذهبی است.

واژه‌های مختوم به -ی نکره فارسی، دومین نوع از واژه‌های دارای پسوند -ی بودند که در میان داده‌ها هر چند به صورت اندک مشاهده شدند. همهٔ واژه‌های مختوم به -ی نکره، فقط در گفتار دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی-فارسی تحصیل کرده ظاهر شده بودند که به صورت ترکیب گروه اسمی به کار رفته بودند (مثال‌های ۴ و ۵).

### 4. har dānešju-yi ke jej jal-sa numra-si kasr olājāx.

می‌شود کسر نمره‌اش بیاید دیر که دانشجویی هر

هر دانشجویی که دیر بیاید نمره‌اش کسر می‌شود.

### 5. o-ni fard-i rošanfekr ʃor-dim.

دیدم روشن‌فکر فردی را-او

او را فردی روشن‌فکر دیدم.

ترکیب سازه‌ها در گروه اسمی زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی با هم مطابقت ندارد. در زبان فارسی، نخست هستهٔ گروه اسمی (اسم)، سپس وابسته‌هایی نظیر صفت و جمله‌وارهٔ وصفی به کار برده می‌شود؛ در صورتی که ترتیب همین عناصر زبانی در ترکی آذربایجانی برعکس می‌شود، مانند: rošanfekr bir fard (فردی روشن‌فکر)، jej jalan dānišju (هر دانشجویی که دیر بیاید).

عدم انطباق عناصر زبانی در گروه اسمی فارسی و گروه اسمی ترکی آذربایجانی سبب می‌شود که گروه اسمی فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی، به صورت جزیرهٔ زبان درونه<sup>۱</sup> ظاهر شود، مانند گروه اسمی *har dānešju-yi ke* (هر دانشجویی که) در جملهٔ ۴ و گروه اسمی *fard-i rošanfekr* (فردی روشن‌فکر) در جملهٔ ۵. هر وقت آرایش نحوی سازه‌های ساخت زبان درونه در سطوح انتزاعی تولید گفتار با ترتیب سازه‌های همان ساخت در زبان ماتریس مطابقت نداشته باشد، سازه‌های زبان درونه به صورت جزایر زبان درونه در جملات دوزبانه‌ها نمایان می‌شود (میرزاسکاتن، ۲۰۰۲). هر چند ترکیب سازه‌های گروه اسمی (اسم + صفت) فارسی در گفتار دوزبانه‌های آذربایجان-فارسی تحصیل کرده تظاهر آوایی دارد؛ اما هنوز ساخت گروه اسمی فارسی به صورت یک الگوی نحوی قرضی به زبان ترکی آذربایجانی منتقل نشده است و گویشوران ترکی آذربایجانی از این الگوی نحوی (ساخت گروه اسمی فارسی) برای ترکیب سازه‌های بومی زبان خود استفاده نمی‌کنند.

همان‌طوری که در جدول (۱) مشاهده می‌شود واژه‌های مختوم به -ی دوم شخص مفرد و همچنین -ی به عنوان صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال، در گفتار هیچ‌کدام از گویشوران ترکی آذربایجانی ظاهر نمی‌شود. نغزگوی کهن و عبدالملکی (۱۹۹۳) و حیدری (۱۳۹۸) براساس دیدگاه ولگموت<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) از دو راه‌کار عمدهٔ ساخت فعل سبک و درج غیرمستقیم، به عنوان راه‌کارهای اصلی انطباق افعال فارسی در ترکی آذربایجانی نام می‌برند. در راه‌کار ساخت فعل سبک، اسم، صفت، قید یا گروه حرف اضافه فارسی به عنوان جزء غیرفعلی با افعال سبک یا هم‌کرده‌های ترکی آذربایجانی *ela-max* (کردن) و *ol-māx* (شدن) و... ترکیب می‌شوند و به صورت فعل مرکب به کار می‌روند، مانند: *zaxmi ol-māx* (زخمی‌شدن)، *faxr ela-max* (فخرکردن)، *ijāza ver-max* (اجازه‌دادن) و... فعل سبک یا هم‌کرد در این افعال مرکب ترکی آذربایجانی، نقش تصریف (زمان، شخص، نمود) را برعهده دارد و جزء غیرفعلی فارسی حامل معنا و مفهوم فعل مرکب است. همچنین راه‌کار درج غیرمستقیم، وندی که در زبان ترکی آذربایجانی فعل‌ساز است به سازه‌های قرضی اضافه می‌شود تا آن فعل به لحاظ صرفی متناسب با زبان ترکی آذربایجانی باشد. برای مثال فعل‌های قرضی مانند *taza-la-max* (تازه‌کردن)، *tamiz-la-max* (تمیزکردن) و... در ترکی آذربایجانی طبق همین راه‌کار ساخته شده‌اند (اضافه کردن وند فعل‌ساز *la* به صفت‌های فارسی تازه و تمیز).

بنابراین در افعال قرضی حاصل از دو راه‌کار فعل سبک و درج غیرمستقیم، تمامی وندهای تصریفی فعل از زبان ترکی آذربایجانی انتخاب می‌شود و جزءهای غیرفعلی که سازه‌های زبان فارسی هستند؛ فاقد هر نوع ویژگی فعلی (زمان، شخص، شمار و...) هستند. چنانچه در مثال‌های ۶، ۷ و ۸ نیز مشاهده می‌شود، هر دو پسوند -ی فارسی (تک‌واژ دوم شخص مفرد فعل و صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال) در گفتار هیچ‌کدام از گویشوران ترکی آذربایجانی نمود آوایی ندارد.

<sup>1</sup> embedded language island

<sup>2</sup> J. Wohlgemuth

## 6. ijāza ver-ir-san o tez jal-a.

بیايد زودتر ا می‌دهی اجازه

اجازه می‌دهی او زودتر بیايد.

## 7. san majbur el-ir-san yālān di-ya.

بگويد دروغ می‌کنی مجبور تو

تو مجبورش می‌کنی دروغ بگويد.

## 8. alān behtar-san.

الان بهتری

الان بهتری.

در داده‌های گردآوری شده (که نمونه‌هایی از آن‌ها در جملات ۱ تا ۸ نشان داده شده است)، سازه‌های هر دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی وجود دارد. زبان ترکی آذربایجانی در همه این جمله‌ها به عنوان زبان ماتریس عمل کرده است؛ زیرا زبان ترکی آذربایجانی چارچوب نحوی-ساخت‌واژی جملات مذکور را تعیین کرده است. بنابراین می‌توان اذعان کرد که اصل ساخت واحد مدل زبان ماتریس در این جملات رعایت شده است. گویشوران ترکی آذربایجانی به هنگام صحبت کردن با زبان بومی خود، سازه‌هایی را از زبان فارسی در گفتار خود به کار برده‌اند؛ اما این سازه‌های غیربومی، تأثیری بر ساخت نحوی جملات نداشته است و زبان ترکی آذربایجانی به عنوان زبان ماتریس بر ساخت جملات حاکم بوده است.

### ۵. نتیجه‌گیری

در داده‌های گردآوری شده از پاره‌گفتارهای گویشوران ترکی آذربایجانی که حاوی واژه‌های مختوم به -ی اشتقاقی و -ی نکره فارسی است، نحو زبان ترکی آذربایجانی به عنوان زبان ماتریس بر جملات حاکم است. بنابراین اصل ساخت واحد مدل زبان ماتریس در همه پاره‌گفتارها رعایت شده است؛ زیرا یک زبان که همان زبان ترکی آذربایجانی است، چارچوب نحوی-ساخت‌واژی جملات متشکل از داده‌های دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی را تعیین کرده است. به هر حال تبیین بهتر بروز و ظهور تک‌واژه‌های وابسته -ی اشتقاقی و -ی نکره در پاره‌گفتارهای گویشوران ترکی آذربایجانی و عدم نمود آوایی دو تک‌واژه وابسته دیگر (-ی دوم شخص مفرد و -ی صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال) در جملات این گویشوران، در چارچوب فرضیه دسترسی متفاوت یا مدل فرعی چهار تک‌واژه انجام می‌شود. همان‌طور که در بخش مبانی نظری تشریح شد، فرضیه دسترسی متفاوت، طبقه‌بندی جدیدی از تک‌واژه‌ها را براساس فعال شدن و انتخاب آن‌ها در سطوح انتزاعی تولید گفتار ارائه کرده است.

طبق فرضیه دسترسی متفاوت، تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم (-ی اشتقاقی و -ی نکره) همراه با تک‌واژه‌های محتوایی در سطح مفهومی-واژگانی، فعال شده و انتخاب می‌شوند؛ در حالی که انتخاب تک‌واژه‌های نظام‌مند بیرونی متأخر (-ی دوم شخص مفرد و -ی صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال) در سطح صورت‌بندی اتفاق می‌افتد که یک لایه نزدیک به روساخت است و در آن‌جا چارچوب نحوی-ساخت‌واژی جملات تولیدی شکل می‌گیرد. تک‌واژه‌های نظام‌مند بیرونی متأخر، تک‌واژه‌های ساخت‌ساز هستند و آرایش نحوی عناصر زبانی را در جملات تعیین می‌کنند؛ اما تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم، فقط در انتقال معنا و مفهوم نقش ایفا می‌کنند. عدم ظهور تک‌واژه‌های وابسته-ی دوم شخص مفرد و -ی صورت تصریفی فعل بودن در زمان حال در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی، به دلیل ماتریس بودن زبان ترکی آذربایجانی است تا تک‌واژه‌های نظام‌مند بیرونی متأخر آن زبان در سطح صورت‌بندی انتخاب شود و چارچوب نحوی-ساخت‌واژی زبان ترکی آذربایجانی را بر جملات حاکم کند. اما تک‌واژه‌های نظام‌مند متقدم فارسی (-ی اشتقاقی و -ی نکره) به دلیل تأثیرگذاری در معنا و مفهوم جملات، در تعیین ساخت نحوی جمله‌ها نقشی ایفا نمی‌کنند، در نتیجه به راحتی می‌توانند با ملحق‌شدن به سازه‌های محتوایی، به گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی راه پیدا کنند.

بنابراین طبق طبقه‌بندی تک‌واژه‌ها در چارچوب فرضیه دسترسی متفاوت مدل زبان ماتریس، می‌توان گفت که بین فعال‌شدن و انتخاب تک‌واژه‌ها در سطوح انتزاعی تولید گفتار و ظهور یا عدم ظهور آن‌ها در گفتار گویشوران دوزبانه ارتباط وجود دارد. ارتباطی که به شفافیت و تبیین هر چه بیش‌تر رد و بدل‌شدن سازه‌ها بین زبان‌ها و گویش‌ها، کمک شایانی می‌کند. پژوهش حاضر نمود آوایی یا عدم تظاهر آوایی تک‌واژه‌های وابسته هم‌نام -ی فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی را براساس اصل ساخت واحد و فرضیه دسترسی متفاوت مدل زبان ماتریس تبیین کرد. پژوهش‌های پیشین در تحلیل خود از قرض‌گیری تک‌واژه‌های وابسته، تنها به مقوله‌های معنایی و نحوی متوسل شده‌اند؛ در صورتی که این پژوهش افزون بر مقوله‌های مذکور، در بررسی و توضیح راه‌یابی تک‌واژه‌های وابسته از زبان مبدا به زبان پذیرا، از یک مدل تولیدبنیان، بهره برد. مدلی که انواع متفاوت تک‌واژه‌ها را براساس فعال‌شدن آن‌ها در لایه‌های مختلف انتزاعی تولید گفتار تقسیم‌بندی کرده است. مدل زبان ماتریس هم‌چنان که میرزاسکاتن (۲۰۰۲) پیش‌بینی کرده است از عهده تبیین بسیاری از پدیده‌های زبانی از جمله پدیده برخورد یا تماس زبان‌ها برمی‌آید و می‌توان بر اساس اصول و فرضیه‌های این مدل، انتقال یا عدم انتقال سازه‌ها از زبانی به زبان دیگر را توضیح داد.

### منابع

- تاکی، گیتی (۱۳۹۱). طبقه‌بندی وندهای اشتقاقی زبان فارسی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۵، صص. ۱۲۵-۱۴۰.
- حسینی‌معصوم، سیدمحمد، حیدرعلی امینی و مسیح‌الله نعمتی (۱۳۹۳). طبقه‌بندی تغییرات ساخت‌واژی در فرایند وام‌گیری واژه‌ها از زبان ترکی به فارسی. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، ۴، صص. ۵۳-۷۲.

- حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۸). بررسی تأثیر زبان فارسی بر ساخت فعل مرکب ترکی آذربایجانی. پژوهش‌های زبانی، ۱۰ (۲)، صص. ۶۷-۸۲.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۷). میانی صرف. تهران: سمت.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۷). میانی دستور زبان ترکی آذربایجانی. تهران: فرزانه.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). ساخت اشتقاقی واژه در زبان فارسی امروز. تهران: مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۹۴). دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی). ویرایش دوم. تهران: سمت.
- نغزگوی کهن، مهرداد و علی عبدالملکی (۱۳۹۳). وام‌گیری فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۷، صص. ۹۷-۱۱۳.
- Hamp, E., M. J oos, F. Housholder, & R. Austerlitz (1995). *Readings in linguistics I & II*. Chicago: University of Chicago Press.
- Levelt, W. J. M. (1989). *Speaking: From intention to articulation*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Matras, Y. (2009). *Language contact*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Meillet, A. (1921). *Linguistique historique et linguistique générale*. Paris: Champion.
- Moravcsik, E. (1975). Verb borrowing. *Wiener Linguistische Gazette* 8, 3-30.
- Myers-Scotton, C. (1993). *Dueling languages: grammatical structure in code-switching*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (1997). Code-switching. In F. Coulmas (ED.), *The handbook of Sociolinguistics* (pp. 217-237). London: Blackwell.
- Myers-Scotton, C. (2002). *Contact linguistics: Bilingual encounters and grammatical outcomes*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (2006). *Multiple voices: An introduction to bilingualism*. Malden, MA: Blackwell.
- Myers-Scotton, C. (2008). Language contact: Why outsider system morphemes resist transfer. *Journal of Language Contact*, 2, 21-41.
- Romaine, S. (1995). *Bilingualism (second edition)*. Oxford: Blackwell.
- Sapir, E. (1921). *Language: An introduction to the study of speech*. New York: Harcourt, Brace and company.
- Seifart, F. (2017). Patterns of affix borrowing in a sample of 100 languages. *Journal of Historical Linguistics*, 7(3), 389-431.
- Thomason, S. & T. Kaufman (1988). *Language contact, creolization, and genetic linguistics*. Berkeley: University of California Press.
- Trubetzkoy, N. (1939). Gedanken über das indogermanenproblem. *Acta Linguistica* 1 (1). 81-89.
- Weinreich, U. (1953). *Languages in contact: Findings and problems*. New York: Linguistic Circle of New York.
- Wohlgemuth, J. (2009). *A typology of verbal borrowing*. Germany: Mouton de Gruyter.